

بررسی شکایت ضرب و جرح در دعوی خانوادگی

در فرهنگ ما ایرانیان از اختلاف‌های خانوادگی و دعوای زناشویی همیشه با عنوان نمک زندگی نام برده می‌شود...

در فرهنگ ما ایرانیان از اختلاف‌های خانوادگی و دعوای زناشویی همیشه با عنوان نمک زندگی نام برده می‌شود، اما گاهی نمک زندگی زیاد می‌شود و شورشدن آش باعث می‌شود کار به جاهای باریک بکشد. مهریه، نفقه، اجرت‌المثل، حضانت و... برخی از موضوع‌هایی است که می‌تواند در یک پرونده پای همسران را به دادگاه بکشاند.

یکی از پرونده‌هایی هم که معمولاً در اختلاف‌های خانوادگی حاد باعث می‌شود پای همسران به کلانتری و دادگاه کشیده شود، پرونده‌هایی با موضوع ضرب و جرح است. در ادامه بررسی پرونده‌های خانوادگی در این شماره به سراغ این شکایت رفته‌ایم و در گفتگو با کامبیز خاکدوست، وکیل پایه یک دادگستری جنبه‌های مختلف این شکایت را بررسی و تحلیل کرده‌ایم. ترک انفاق و ضرب و شتم، موضوع حجم زیادی از پرونده‌هایی است که هر روز در دادسرا روی میز قاضی قرار می‌گیرد. اختلاف‌های خانوادگی وقتی به مرحله حاد و غیر قابل تحملی می‌رسد، با چاشنی خشونت همراه می‌شود و در این مسیر نیز معمولاً با رد و بدل شدن مشت و لگد، گلدان، پارچ آب و چیزهایی از این دست میان همسران، شرایطی رخ می‌دهد که با آسیب دیدن یکی یا هر دو آنها، فضایی برای مراجعه به قانون ایجاد می‌شود.

کامبیز خاکدوست که تاکنون در پرونده‌های مختلفی از این دست به عنوان وکیل حضور داشته، درباره چنین وضعیتی که میان همسران رخ می‌دهد، می‌گوید: یکی از نکاتی که باعث پیچیده شدن پرونده‌های خانوادگی در چنین مواقعی می‌شود این است که در بیشتر موارد زن و شوهر هنگام درگیری تنها هستند و به همین دلیل کسی نمی‌تواند میان آنها میانجیگری کند و به غائله خاتمه دهد و همین مساله امکان حاد شدن اختلاف و گسترش درگیری از شکل کلامی به شکل فیزیکی را فراهم می‌آورد.

اگر در این موقعیت یکی از طرفین دست دیگری را بشدت بگیرد، جرح کوچکی اتفاق می‌افتد و اگر مثلاً بر اثر خوردن دست یکی از طرفین به یک گلدان، کوچک‌ترین خراشی روی دست ایجاد شود، جرم ایجاد جرح اتفاق می‌افتد. ایراد جرح می‌تواند با پسوند عمدی یا غیرعمدی در دادگاه مورد بررسی قرار بگیرد. طبق قانون در بیشتر جرائم، عمد داشتن در ارتکاب یک عمل تاثیر قابل ملاحظه‌ای در اثبات یک جرم و یک فعل مجرمانه دارد.

برای روشن شدن این بحث می‌توان به تصادفات رانندگی اشاره کرد. فردی که با خودروی خود به جایی می‌زند، اگر خسارتی به بار بیاورد از آنجا که این عمل با اراده شخصی‌اش اتفاق نیفتاده، وضعیت متفاوتی دارد با فردی که مثلاً از روی عمد به فردی آسیب می‌رساند.

در جرائم خانوادگی نیز چنین وضعیتی وجود دارد؛ مثلاً ممکن است مردی در حین کار کردن به شکل ناخواسته و با خطکش به همسرش آسیب بزند که این مساله در قالب ایراد جرح غیرعمدی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، اما اگر به سمت همسرش حمله کند و او را مورد ضرب و شتم قرار دهد، با اضافه شدن پسوند عمدی به پرونده، وضعیت پیچیده‌تری بر پرونده حاکم می‌شود.

حالا اگر خانم یا آقای که در این میان آسیب دیده، گذشت نداشته باشد و اختلاف‌های قبلی هم میان آنها وجود داشته باشد و کمی خشم و کینه هم چاشنی این اختلاف شود، به سراغ کلانتری یا دادسرا می‌رود و شکایتی علیه همسر خود مطرح می‌کند.

از چه چیزهایی می‌توان شکایت تراشید؟

شاید برای برخی مخاطبان این پرسش پیش بیاید آسیبی که به یکی از همسران طی درگیری وارد می‌شود، باید در چه حد و حدودی باشد که بتوان آن را پیگیری کرد؟ آیا حتماً در دعوی زن و شوهری باید سر یا دست بشکند یا این‌که بابت آسیب‌های کوچک تر هم می‌توان اقدام به طرح شکایت کرد؟

کامبیز خاکدوست در پاسخ به این پرسش می‌گوید: «در قانون مجازات اسلامی تمامی مواردی که افراد می‌توانند بر اساس آن اقدام به طرح شکایت با موضوع ضرب و جرح کنند کاملاً احصاء شده است و در قانون به هر جرم کوچکی هم رسیدگی می‌شود و دیه هر نوع صدمه‌ای مشخص است. بر اساس قانون، حتی ایجاد خراش در بدن فرد مقابل نیز می‌تواند منجر به طرح شکایت کیفری شود؛ البته این مساله فقط مختص همسران نیست و شامل تمامی افراد جامعه می‌شود.

ما در قانون بحثی به نام ارش داریم که شامل تفاوت فرد سالم و ناسالم است. ممکن است مردی به شوخی ضربه‌ای به انگشتان همسر خود بزند. در چنین حالتی اگر انگشتان همسر مثلاً قطع شود، به آن دیه تعلق می‌گیرد؛ اما ممکن است بر اثر این ضربه انگشت کبود یا سرخ شود.

در چنین حالتی به همسر آن مرد ارش تعلق می‌گیرد یا اگر مردی ضربه‌ای به شکم همسر خود بزند، در صورتی که شکم زن کبود شود و تغییر رنگ پیدا کند، به این مسأله نیز ارش تعلق می‌گیرد و حتی چنین وضعیتی نیز قابل تعقیب کیفری است. طبق گفته خاکدوست، اگر بر اثر درگیری میان همسران، روی بدن یکی از آنها خراشی بیفتد که از آن خراش خون تراوش شود، این موضوع هم با عنوان حقوقی ایراد جرح قابل پیگیری حقوقی است.

آیا تالمات روحی هم قابل پیگیری است؟

شاید برخی مخاطبان بپرسند آیا شکایتهای کیفری تنها شامل درگیریهای فیزیکی و جسمی می‌شود یا این که آسیب‌ها و تالمهای روحی نیز ممکن است شامل شکایت کیفری شود؟

در پاسخ به این پرسش کامبیز خاکدوست می‌گوید: اگر ایجاد تالمات روحی و عاطفی ملموس باشد و مثلاً سبب جنون یکی از طرفین شود یا این که طرف مقابل را دچار بیماری‌هایی همچون عدم تعادل شخصیتی کند، این موضوع نیز قابل اثبات و پیگیری از سوی دادگاه است، اما اصولاً چنین مواردی در دادگاه کم اتفاق می‌افتد و اثبات آن نیز به آسانی پرونده‌های ضرب و جرح عادی نیست.

در پرونده‌های مردی بعد از ازدواج با همسرش متوجه شد او به لحاظ اخلاقی و فرهنگی، تناسبی با آنچه که مرد در ذهن خود تصور کرده ندارد و این موضوع سبب افسردگی، سرخوردگی و اختلال روانی مرد شد. مرد در خانواده‌ای سنتی پرورش یافته بود که در آن خانواده، پرداختن زنان به ورزش اسکی مسأله‌ای غیرقابل قبول بود، اما همسر او علاقه شدیدی به اسکی داشت و این مسأله برای مرد تالم خاطر ایجاد کرد و کم‌کم به افسردگی او منجر شد. در این وضعیت جرمی از سوی زن اتفاق نیفتاده بود که قابل پیگیری باشد.

در پرونده‌ای دیگر مرد از اشتغال همسرش که یک مهندس بود جلوگیری کرد و این مسأله نیز باعث افسردگی خانم شد. اما در این وضعیت نیز جرمی رخ نداده بود. در چنین مواقعی بهتر است طرفین به تعریف درستی از زندگی برسند و این مسأله را بپذیرند که ازدواج، به این معنی نیست که همسر آنها تنها در خدمت آنها و خواسته‌های آنها باشد و از همه فعالیت‌های اجتماعی خود چشم‌پوشد.

اگر هم مسأله گنگ و مبهمی وجود دارد که ممکن است در آینده باعث بروز مشکل شود، بهتر است در زمان عقد و در قالب شروط ضمن عقد مطرح و در عقدنامه درج شود.

اختلاف‌های خانوادگی وقتی به مرحله حاد و غیر قابل تحملی می‌رسد، با چاشنی خشونت همراه می‌شود در زمانی که اختلاف‌های خانوادگی میان همسران بروز می‌کند و کار به زد و خورد می‌کشد، گاهی اتفاق‌های دیگری نیز میان همسران رخ می‌دهد. مثلاً ممکن است مرد جوهرات همسرش را داخل چاه دستشویی بریزد یا این که مرد پروژه تحقیقاتی همسرش را از بین ببرد. در برخی موارد نیز دیده می‌شود که مثلاً زنی با برداشتن اموال همسرش از خانه خارج می‌شود. چنین مسأله‌ای اگر در خارج از چارچوب روابط زناشویی رخ دهد، در قالب شکایتهایی همچون سرقت قابل پیگیری است، اما وقوع چنین مواردی در چارچوب روابط خانوادگی، به دلیل این که در اغلب موارد هیچ کس به جز زن و شوهر شاهد آن نبوده بسادگی قابل اثبات نیست و ادله اثباتی که باید شخص متضرر شده ارائه دهد، آنقدر سفت و سخت نیست که از سوی دادگاه مورد پذیرش قرار بگیرد.

برویم کلانتری یا دادگاه؟

شکایتهای ضرب و جرح معمولاً به دو شکل قابل طرح و پیگیری است. شکل اول طرح شکایت در کلانتری است و راه دوم نیز مراجعه به دادسرا و طرح شکایت در این محل است. خاکدوست درباره تفاوت این دو شیوه می‌گوید: «بر اساس قوانین جاری فردی که قصد طرح شکایت کیفری را دارد، می‌تواند به مرجع انتظامی و ضابطین انتظامی مراجعه کند.

در اغلب موارد افراد زمانی به مرجع انتظامی مراجعه می‌کنند که ضرب و جرح در ساعاتی خارج از ساعات اداری رخ داده یا در محدوده‌ای رخ داده که دسترسی به دادسرا مشکل است. در چنین شرایطی فرد صدمه دیده برای این که ادله و دلایلش از دست نرود به پلیس پناه می‌برد و بعد از طرح شکایت، پلیس مسائل ابتدایی و تشریفات ابتدایی را انجام می‌دهد و با تشکیل پرونده، در اولین فرصت پرونده را برای مقام‌های قضایی ارسال می‌کند. گاهی نیز فرد با داشتن دلایل و مدارک کافی به دادسرا مراجعه و به شکل مستقیم شکایت خود را در مرجع قضایی مطرح می‌کند.

نکته مهم در خصوص چنین شکایتهایی این است که مرجع قضایی پس از دریافت پرونده و شنیدن اظهارات شاکی اقدام به تحقیق در خصوص ادعای وی می‌کند. یکی از اولین کارهایی که در این مرحله انجام می‌شود، معرفی شاکی به پزشکی قانونی از سوی دادگاه است.

این مسأله در قالب نامه‌ای صورت می‌گیرد که اغلب متن ثابت و مشخصی به این شرح دارد: «ریاست محترم سازمان پزشکی قانونی... / با سلام، بدین وسیله آقا/خانم... شاکی پرونده کلاسه... که مدعی است در اثر ضرب و جرح مصدوم شده و سابقه معاینه در پزشک قانونی دارد/ ندارد، جهت معاینه از ناحیه... با در دست داشتن مدارک شناسایی به حضورتان معرفی می‌گردد. مقتضی است نسبت به تعیین طول درمان یا ارزش احتمالی اقدام نمایید.»

شاکی با دریافت این نامه و مراجعه به پزشکی قانونی مورد معاینه قرار می‌گیرد و نتیجه معاینه‌ها در قالب نامه‌ای سربرسته

برای دادگاه ارسال می‌شود. البته ممکن است شاکی بعد از درگیری با متشاکی خود به بیمارستان مراجعه و تحت درمان قرار گیرد.

در چنین حالتی فرد بعد از پایان مراحل درمانی می‌تواند به مرجع قضایی یا انتظامی مراجعه و شکایت خود را مطرح کند. مقام رسیدگی‌کننده نیز وی را به پزشکی قانونی ارجاع می‌دهد و فرد شاکی می‌تواند در این مرحله خواستار بررسی مدارک پزشکی خود از سوی دادگاه شود که به این مساله نیز پزشکی قانونی براساس دستور دادگاه رسیدگی می‌کند.

شاید برای برخی از مخاطبان این سوال پیش بیاید که اگر زمانی همسر آنها اقدام به خودزنی یا آسیب رساندن به خودش کرد، این مساله چگونه قابل پیگیری و اثبات است؟ آیا دادگاه آنقدر دقت دارد که در چنین مواردی حقی از کسی ضایع نشود؟ وقتی این سوال را با کامییز خاکدوست در میان می‌گذارم، پاسخ می‌دهد: «در دادگاه همیشه بار اثبات به سمت شاکی است و او باید با ارائه دلایل و مدارک به دادگاه، ادعای خود را اثبات کند. از طرف دیگر فردی که از او شکایت شده نیز باید دلایلی را برای اثبات بی‌گناهی خود به دادگاه ارائه کند. قانون نیز همواره این دقت و ریزبینی را دارد که بتواند واقعیت را کشف کند و اصولاً چنین توقعی از قانون وجود دارد که در مقام رسیدگی‌کننده بتواند با بررسی دلایل و مدارک و نیز شنیدن شهادت شهود، حقیقت را کشف نماید.»

خاکدوست در ادامه اضافه می‌کند: اصولاً محاکم با ارجاع آسیب دیده به پزشکی قانونی متوجه می‌شوند که آسیب به وجود آمده چه منشایی دارد. اساساً تخصص پزشک قانونی کشف این است که صدمه بدنی که به شخص وارد شده سهوی بوده یا عمدی؟ این صدمه توسط چه وسیله‌ای یا به چه دلیلی ایجاد شده است؟ آیا فرد در محدوده زمانی که ادعا می‌کند آسیب دیده یا مثلاً در جایی دعوا کرده و بعد از مراجعه به خانه خواسته تا همسرش را بابت آثار ضرب و جرحی که در زمان و جایی دیگر ایجاد شده به دام بیندازد؟ یا این‌که ممکن است زنی در نبود شوهرش در خانه، از پله بیفتد و بعد از شکسته شدن پایش و بازگشت همسرش به خانه ادعا کند توسط همسرش مورد ضرب و جرح قرار گرفته است؟ یا این‌که خانمی هنگام ورزش از روی تردمیل عمداً خود را بیندازد تا بعد مدعی شود همسرش او را در راه پله هُل داده است؟ حتی در مواردی که فرد اقدام به خودزنی کرده باشد نیز بسادگی از سوی پزشکی قانونی کشف می‌شود، زیرا اصولاً افعالی که شخص نسبت به خود انجام می‌دهد، بسادگی قابل کشف است. پس از روشن شدن ماجرا نیز فردی که از او شکایت شده می‌تواند بعد از برائت از شاکی پرونده به جرم افترا شکایت کند.

یکی از شیوه‌های اثبات شکایت در چنین پرونده‌هایی معرفی شهود به دادگاه است که در شماره آینده به آن خواهیم پرداخت.
جام جم آنلاین